

## یک رأی و هزار درس آیین دادرسی

شعبه نوزدهم دادگاه تجدید نظر استان تهران نوبتی دیگر حکمی صادر کرد که بالنسبه کم نظیر است. پیش از این نیز مجله «وکالت» یکی از آراء این شعبه را منتشر کرده بود. موضوع اصلی این رأی، تجسس در احوال شخصیه است و غالباً نیز این آراء به حوزه تجدید نظر نمی رسد و متهمان معمولاً با قبول یک جریمه و حتی عدم ابلاغ رأی دادگاه نخستین، حق اعتراض خود را ساقط می کنند تا خدای ناکرده وضع بدتری پیدا نکند مگر مثل مورد حاضر، حکم مشتمل بر حبس باشد. بهر حال رأی قضات محترم این شعبه صرف یک رأی در یک موضوع نیست و درس آیین دادرسی است برای همه ضابطان قضائی و هر که دست اندرکار چنین پرونده هائی است.

«مجله وکالت»

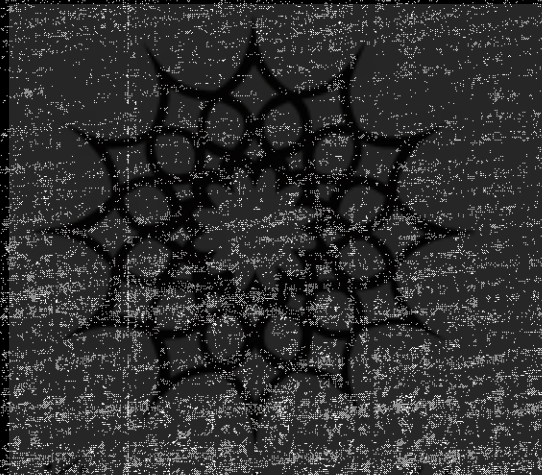
### دادنامه شماره: ۱۳۱۱، ۱۳۱۰، ۸۳/۷/۱۸ شعبه ... دادگاه عمومی جزائی

دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و در خصوص اتهام خانم (م-آ) دایر بر تشکیل خانه فساد و پرداخت رشوه و استفاده از ماهواره و خانه (ش-ا) معروف به (ش) دایر بر فراهم نمودن موجبات فساد و تشویق به آن با توجه به گزارش مامورین و تحقیقات انجام یافته و علت و نحوه دستگیری متهمان و تماسهای حاصله بین مامورین و متهمه ردیف دو و دفاعیات بلاوجه آنها و همراه داشتن تلفن همراه توسط خانم (ش-ا) در حالیکه نامبرده خانه دار بوده و توجیه وی نیز قابل قبول نبوده است و سایر امارات و قرائن موجود در پرونده دادگاه وقوع بزه را محرز دانسته به استناد مواد ۵۹۲ و ۶۳۹ از قانون مجازات اسلامی و مواد ۳ و ۹ قانون ممنوعیت به کارگیری دریافت از ماهواره خانم (م-ا) را در مورد جرم اول به تحمل دو سال حبس و در مورد جرم دوم (ضمن ضبط مال ناشی از ارتشاء به نفع دولت) و تحمل یکسال حبس و در مورد جرم سوم (ضمن ضبط تجهیزات به نفع صدا و سیما) به پرداخت سه میلیون ریال و خانم (ش-ا) را به تحمل یکسال حبس (با احتساب ایام بازداشت قبل و موجه موارد) محکوم می نماید در اجرای

ماده ۱۰

اتهام

۳



که پیوسته به پرونده پرونده ۸۲/۱۱/۲۵ در تاریخ ۸۲/۱۱/۲۵  
کرده و وی را در تاریخ ۸۲/۱۱/۲۵ در تهران ارجاع  
ناحیه... تهران ارجاع  
به خانم (م-ا) به اتهام قوادی و (ش-ا) و (م-ا) قرار  
گردیده و در باره (ش-ا) و (م-ا) قرار  
گردیده اند.

این در حالی است که آنان در ۸۲/۱۱/۲۵ دستگیر شده اند و در تاریخ ۸۲/۱۱/۲۵  
ماندن متهمین را بدون ذکر نام آنان صادر نموده - در عین حال  
در تاریخ ۸۲/۱۱/۲۷ در صفحه ۱۴ در باره نامبرده به اتهام قوادی با توجه  
قرار منع تعقیب و در باره دو متهمه دیگر در صفحه ۲۵ به اتهام قوادی و نکتهای  
فساد قرار مجرمیت صادر نموده که به موافقت دادسرا نیز رسیده در ص ۲۵ در حالیکه تاریخ  
۸۲/۱۲/۱۳ و تاریخ موافقت دادسرا ۸۲/۱۲/۷ می باشد: که در صفحه ۳۵ پرونده قرار مجرمیت  
پرداخت رشوه نیز در باره خانم (م-ا) به تاریخ ۸۲/۱۲/۱۳ صادر و به موافقت دادسرا رسیده و کیفر خواست





هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

با توجه به صریح ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته است: «محققان و قضات تحقیق می توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین را در صورتی که در امارات جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند با تعلیق از احوال شخصی و با توجه به تبصره ماده مذکور که مقرر داشته: تحقیق در جرائم منافی عفت... ممنوع است که جرم مشهود باشد. و با توجه به اصل ۱۶۶ قانون اساسی ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که مقرر داشته اند: احکام دادگاههای عمومی و مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده تجدید نظر خواهی و اینک ولو به دستور سرپرست دادرسی ناحیه... تهران مامورین انتظامی با پیشنهاد صفحه ۴ و ۷ پرونده انتظامی خود مبادرت به بررسی و یافتن زن در معرض فحشاء نمودند تلفنی برقرار و جهت ارتباط و ارتکاب عمل خلاف شرع با او قرار بگذارند که به ناچار لازم است و مکالمه از الفاظ و عباراتی استفاده نمایند که منهی و منکر است و او را به ارتکاب فعل حرام رهنمون و وزن اجنبی را به اتومبیل خود سوار نمایند.

ولو به ظاهر به قصه ارتکاب فعل حرام و بدین ترتیب و با استفاده از صور مذکور به محل وارد شوند مرتکب فحشا گردند و آنگاه این اقدامات را کشف جرم محسوب نمایند در حالیکه جملگی این اقدامات خلاف شرع و قانون و صحنه سازی و زمینه چینی برای وقوع جرم و ارتکاب آن است و در بردارنده پرده از عفت و مکنونات اجتماعی و اجهار و اعلان منهیات و اشاعه فحشا و بلکه چه بسا موجب تشویق اذهان عمومی است صد البته هرگز پسندیده شارع مقدس و قانونگذار جمهوری اسلامی هم نیست و هرگز این چنین اقداماتی در قالب موازین مربوط به امور به معروف و نهی از منکر هم نمی گنجد در عین حال که انجام عملی که از سوی خداوند عادل منع و نهی شده خود خلاف شرع است ولو صوری و از سوی مامورین کشف جرم انجام پذیرد، ضمن اینکه در تمامی مراحل تحقیق در نیروی انتظامی و بازپرسی و در دادگاه متهمان و موکداً منکر جرایم انتسابی گردیده اند و اینکه در حقیقت این عوامل قضایی و انتظامی بوده اند که با تماس موجبات تشویق متهمه را به فساد و فحشاء فراهم آورده اند و او هرگز هیچ کدام از مامورین و یا شخص دیگری را تشویق به فحشاء و فساد نکرده ضمن اینکه در قانون مجازات اسلامی دایر کردن خانه فساد و فراهم نمودن موجبات فساد و تشویق به آن تعریف دارد که اساساً در ما نحن فیه به هیچ وجه مصداق ندارد. در عین حال که جرم ارتشاء هم در قانون جزا دارای ارکانی است که در وجه صوری موضوع پرونده صدق ندارد و ایضاً ضبط مال «تلفن همراه» در شرع قانون دارای شرایطی است که در قضیه حاضر اصلاً فاقد توجیه است. بنا به مراتب اولاً: به بند یک و چهار شق ب از ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن نقض دادنامه تجدید نظر خواسته شماره ۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱ مورخ ۸۳/۷/۱۸ صادره از شعبه... دادگاه عمومی جزائی تهران در رابطه با اتهامات منتسبه به تجدید نظر خواهان ها به عناوین تشکیل خانه فساد و پرداخت رشوه و فراهم نمودن موجبات فساد و تشویق به آن و ضبط وجه مندرجه در پرونده به عنوان مال الرشاء موافق اصول شرع انور و اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی رای بر برائت متهمان را از جرائم انتسابی و استرداد تلفن همراه و وجه ضبط شده به صاحبان آنها را صادر و



اسلامی دارد. نهایتاً با توجه به اینکه علی ایحال به موجب قانون نصب و نگهداری وسایل، و تجهیزات در اماکن عامه از سوی خانم (م - ا) مشهود و فاقد جواز قانونی می باشد فقط در این رابطه اتهام او را بر مبنای ماده ۲۵۰ قانون دادرسی کیفری با تقلیل جزای نقدی مقرر به پرداخت یک میلیون ریال به موجب ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و تخصصی در مجازات اسلامی به لحاظ نداشتن سابقه کیفری تقلیل و مستنداً به شق الف از ماده ۲۲۰ قانون دادرسی کیفری در این قسمت دادنامه تجدید نظر خواسته را تایید می نماید، و اما در خصوص جرم ارتکاب گفتمان و کردار صوری و برای کشف

۱- جرم خلاف مقررات است.

۲- تجسس در احوال اشخاص و به رو آوردن پوشیده های ناپسند جامعه که نتیجه ای جز اشاعه فحشا را در بر ندارد خلاف شرع و قانون است. ضمن اینکه دادن پیشنهاد صیغه ازدواج به زن مجرده و راضی کردن او به ارتکاب جرم و کشف جرم قلمداد کردن این امر که فریب کاری است در خور عوامل قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی نیست.

۳- اقدامات به عمل آمده از سوی سرپرست دادسرای ناحیه ... و بازپرس شعبه ... و بازپرس شعبه ... و دادیار اظهار نظر بر خلاف صریح ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری است.

۴- جرم تراشی و زدن اتهام ناروا و بی اساس بدون دلیل به اشخاص فاقد محمل قانون است.

۵- اخذ تامین نامتناسب از متهم بر خلاف صریح ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری است.

۶- اقدام دادگاه شعبه ... عمومی در اینکه بر خلاف صریح شق ج ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب از محدوده کیفر خواست خارج شده و در صفحه ۷۰ پرونده بدون تشکیل جلسه و بر

خلاف قانون و بدون اعتراض و شکایت و یا اعلام دادستان از نزد خود عنوان اتهامی تراشیده و درباره متهمه جهت اقدام مجدداً پرونده را به دادسرا اعاده کرده خلاف صریح قانون است.

۷- اینکه دادگاه مذکور در حالیکه هیچ رای قانونی صادر نکرده ولی پرونده را در صفحه ۷۰ به شماره های ۳۵ و ۴۳ مورخ ۸۳/۱/۱۷ آمار نموده خلاف مقررات است.

۸- اینکه دادسرای ناحیه ... تهران بر خلاف مقررات به نظر غیر قانونی شعبه ... دادگاه عمومی علیرغم فراغت قضایی و خارج شدن دادگاه از محدوده کیفر خواست عمل نموده و بدون توجیه قانون شخصی را بدون دلیل اتهام زده و کیفر خواست درباره اش صادر نمود فاقد توجیه قانونی است.

۹- اینکه دادگاه شعبه ... پس از وصول پرونده از دادسرا بدون ارجاع آن از سوی سرپرست مجتمع وارد رسیدگی شده بر خلاف صریح تبصره ماده ۶۵ قانون دادرسی کیفری است.

۱۰- اینکه شعبه ... دادگاه عمومی امر واحدی را حکم داده اما آنرا سه فقره آمار به شماره های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۰ و ۸۳/۷/۱۸ محسوب و به ترتیب مذکور یک موضوع رای را پنج آمار نموده خلاف مقررات دادرسی است. در خاتمه این دادگاه مراتب تاسف و تأثر خود را از نحوه عملکرد دادسرا و مامورین انتظامی

دادگاه وعدم رعایت موازین شرع و قانون و اصول مسلم دادرسی پوشیده نمی دارد. رای صادر قطعی است.

حمید حمیدی - رئیس، باصره - مستشار